

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نېاشد تن من مېباد بدین بوم و بر زنده یک تن مېباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

نویسنده: بهادر ذبیحیان - Bahador Zabihiyan

برگردان از: حمید محوی

۲۶ جون ۲۰۱۴

اتوا شبکه گسترده ای از اپوزیسیون های ایرانی ایجاد کرده است

مرکز مطالعات جهانی سازی، ۱۶ جون ۲۰۱۴



سایت «لو دووآر» Le Devoir گزارش داده است که اتوا اعلام کرد که موفق به ایجاد شبکه ای متشکل از «صدها مبارز ایرانی» شده و با ۴،۵ میلیون کاربر اینترنت در ایران ارتباط برقرار کرده است. این طرح چند رسانه ای توسط وزارت امور خارجه در چهارچوب انتخابات ریاست جمهوری ایران در سال ۲۰۱۳ تأمین مالی شده است.

از یک سال پیش کانادا بر آن است تا رویکرد تازه ای را با ایران در پیش بگیرد: «دیپلماسی مستقیم». این رویکرد دیپلماتیک مستقیم می تواند تناقض آمیز جلوه کند و یا موجب شگفتی ما باشد، زیرا اتوا سال ۲۰۱۲ سفارت ایران را بست و دیپلمات های ایرانی را اخراج کرد. ولی هدف دیپلمات های کانادایی مذاکره مستقیم با مقامات ایرانی نیست، بلکه خواهان ارتباط با مردم این کشور هستند (۱).

سایت «لو دووآر» بر اساس قانون حق دسترسی به اطلاعات اعلام کرد که در بطن بخشی از وزارت امور خارجه که مأمور رسیدگی به امور خاورمیانه است، مشخصاً مسؤولیت «دیپلماسی مستقیم» با ایران به عهده یک «مدیره»، یک «معاون مدیره» و یک «مأمور» واگذار شده است.

کمی پیش از انتخابات ریاست جمهوری در ایران، سال ۲۰۱۳، کانادا ایجاد یک سایت اینترنتی به زبان انگلیسی و فارسی را به همکاری *Munk School of Global Affairs de l'Université de Toronto* راه اندازی و تأمین مالی کرد. این طرح، تحت عنوان « مذاکره جهانی درباره آینده ایران »، بر اساس گمانه زنی وزارت امور خارجه کانادا ارتباط با ۴۵۰۰۰۰۰ کاربر اینترنتی در ایران را ممکن ساخته است. سایت اینترنتی و سکوهای رایانشی مختلف تا کنون ۳۲۰۰۰۰۰۰ دلار برای وزارت امور خارجه کانادا خرج برداشته است و تا ۳۳۰۰۰۰۰۰ دلار پیشبینی کرده است. ژان-برونو ویلنو Jean-Bruno Villeneuve سخنگوی وزارت امور خارجه اعلام کرده است که اتاوا در صورتی که بودجه اش اجازه دهد، امکان تمدید این بودجه را منتفی نمی داند.

موضوعات حساس در فهرست

هدف از این طرح «پشتیبانی از تلاش های [دانشگاه تورنتو] برای ایجاد سکوی کمپیوتری بود که بتواند امکان مذاکره بین مبارزان ایرانی پراکنده شده در جهان (تبعیدیان) و ایرانیان ایران را فراهم سازد. بر اساس توافق به امضاء رسیده وزارت امور خارجه کانادا در سال گذشته، این مذاکره ها می بایستی در مراحل پیشین و پسین انتخابات جون ۲۰۱۳ در ایران، پیرامون مسائل و مشکلات سیاست های برجسته و جاری صورت گیرد. موضوعات مطروحه غالباً در رابطه با « بز هکاری گسترده »، « سوء استفاده از حقوق فردی »، « اقتصاد ورشکسته » و « نظام آموزشی که در حال فروپاشی به سر می برد »... سایت «لو دوآر» یک کپی از این فهرست را که از پیش توسط وزارتخانه به تأیید رسیده بوده، به دست آورده است.

در چهارچوب این طرح، چندین فعال ایرانی در خارج از کشور در تورنتو طی دوران انتخابات ریاست جمهوری در ایران جلسات سخنرانی برگزار کردند. ولی به ویژه به دلیل وجهه چند رسانه ئی خود را متمایز ساخت. ایرانیانی که در ایران به سر می بردند، می توانستند در بحث هایی که روی موضوعات حساس جریان داشت از طریق سکوی کمپیوتری وب محافظت شده شرکت کنند، چنین ساخت سازی از دیدگاه تنوری به آنها اجازه می داد که ناشناس باقی بمانند، زیرا اینترنت در ایران کاملاً تحت نظارت است (۲). طرح شبکه کمپیوتری به ایرانیان در عین حال اجازه می داد که موارد تقلبات مظنون را روز انتخابات روی نقشه، ردیابی کنند. سرانجام، هیچ خلافتکاری معنی داری روز ۱۴ جون ۲۰۱۳ شناسائی نشد، و حسن روحانی در نخستین دور انتخابات با ۵۰ درصد، از ۷۲ درصد از شرکت کل رأی دهندگان انتخاب شد.

اتاوا معتقد است که این ابتکار عمل موجب ایجاد یک شبکه از اپوزیسیون های ایرانی شد. در گزارشی به تاریخ جون ۲۰۱۳ که برای وزیر امور خارجه وقت جان بیرد **John Baird** فرستاده شده بود، نوشته شده : « ما یک شبکه از صدها فعال ایرانی در جهان را گسترش دادیم ».

پرونده «سری» که سایت «لو دوآر» مبنی بر قانون حق دسترسی به اطلاعات یک کپی از آن را اختیار دارد، توضیح می دهد که این طرح برای اتاوا امکان ارتباط با ایرانیان مقیم کانادا را فراهم ساخت. تعداد این ایرانیان بیش از ۱۲۱۰۰۰ نفر اعلام شده است. « ما با شبکه ای از صدها فعال ایرانی و انجمن های آنها در کانادا ارتباط برقرار کردیم ».

هدف این طرح ایجاد سکوی کمپیوتری برای مذاکره بین ایرانی ها بود که بتوانند کسب اطلاع کنند، ولی به نظر می رسد که اتاوا در پی دستیابی به اهداف سیاسی در زمینه مناسبات خارجی کانادا نیز می باشد. در این گزارش که وزارتخانه آن را «تأیید» کرده، قویاً ابهام آمیز و یا سانسور شده، مسأله « حفظ وضعیت مناسب برای مذاکره با ایران

است که این کشور متقاعد شود که باید از برنامه هسته ئی قطع نظر کند». اتاوا می گوید که ایران بزرگترین تهدید برای صلح جهانی است.

گسترش «دیپلماسی مستقیم» ؟

دانشگاه تورنتو و وزارتخانه بر این باور هستند که طرح با موفقیت انجام شده است. ابتکار عمل از این پس آماده و روشن است. تنها «کنتر روحانی»، ابزار کاری است که بروز سازی آن می تواند نشان دهد که آیا او به وعده هایش عمل می کند یا نه. شین وایلت Sean Willett رئیس ارتباطات Munk School of Global Affairs در دانشگاه تورنتو تلاش می کند تا دوباره از وزارت امور خارجه بودجه دریافت کند.

پرونده وزارت امور خارجه کانادا که سایت لو دووآر بدست آورده نشان می دهد که دیپلمات ها از طریق این شبکه خواهان گفتگو با ایرانیان هستند. چنان که در این گزارش می توانیم بخوانیم : « کانادا باید مناسباتش را با ایرانیان گسترش دهد ».

وزارت امور خارجه کانادا بر آن است که از همین شیوه برای ارتباط با کشورهای دیگر ی که اطلاعات در آن تحت کنترل می باشد، استفاده کند. ژان- برونو دووینلو Jean-Bruno Villeneuve طی یک نامه ای بی آن که توضیح روشنی مطرح کند یادآور شده است که « با گسترش دیپلماسی مستقیم، کانادا می تواند برای مقابله با اختناق حاکم، به شهروندان این کشورها یاری رساند ». (۳)

Bahador Zabihyan

آدرس الکترونیک متن اصلی

<http://www.mondialisation.ca/ottawa-a-cree-un-vaste-reseau-dopposants-iraniens/5387224>

یادداشت مترجم:

(۱) از سال ها پیش یعنی مشخصاً از تاریخ ایجاد وبلاگ گاهنامه هنر و مبارزه ۴ مارچ ۲۰۱۰ مطالب روزنامه حزب کمونیست کانادا جزء نخستین مقالات منتشر شده و همواره یکی از منابع دائمی در این گاهنامه بوده است. لازم به یادآوری نیست که گاهنامه هنر و مبارزه هیچ نسبیتی با محافل قدرت و تجارت نداشته و امید است که این توضیح مختصر برای روشن ساختن اذهان خوانندگان ما در مورد هویت گاهنامه هنر و مبارزه کافی بوده باشد. تنها جای تأسف است که می بینیم با وجود انقلاب کمپیوتری که در دست آوردهای دموکراتیک آن، همواره باید به وجه نسبی آن دلخوش باشیم، می بینیم که همواره سرمایه گذاری های قدرت های بزرگ است که می تواند در روند ارتباطات در سطح توده های میلیونی مؤثر واقع شود، و کارهای فرهنگی و اجتماعی قطع نظر از کیفیت آن، شانس محدودی برای ارتباط با توده ها را دارد. به همین شکلی که در گزارش حاضر می بینیم، سرمایه گذاری چند میلیون دلاری وزارت امور خارجه کانادا به انضمام تمام فن آوری های موجود موجب شده است که ظرف مدت کوتاهی با ۴۵۰۰۰۰۰ کاربر ایرانی در ایران رابطه بگیرند (با قطع نظر از تعداد کلیک ها). در صورتی که تعداد کلیک های انجام گرفته روی گاهنامه هنر و مبارزه از تاریخ ایجاد این وبلاگ در ۴ مارچ ۲۰۱۰ تا این ساعت از بعد از ظهر ۲۵ جون ۲۰۱۴ تنها ۴۹۶۷۲ بوده که احتمالاً و تقریباً ۹۰۰۰ کلیک آن مرتبط است به تنظیمات و ارسالات خود مدیر وبلاگ برای انتشار و یا تصحیح مقالات جدید و تمام وبلاگ های دیگر که به کارگاه من در گاهنامه هنر و مبارزه مرتبط می باشد، تقریباً در مجموع همین تعداد را نشان می دهد. یعنی در مجموع معادل یک سوم کلیک های انجام شده برای دیدن پستان چپ گلشیفته ظرف یک روز. در نتیجه می بینیم که همواره سرمایه است که بر ذهنیت آگاه و فاعل شناسنده – فاعل اجتماعی – کار

اجتماعی - تسلط دارد، و اذهان عمومی نیز خواسته یا ناخواسته متحد و همکار همین قدرت ها و سرمایه ها هستند. همین معادله برای سایت های آلترناتیو مثل همین سایت مرکز مطالعات جهانی سازی به مدیریت میشل شوسودوسکی در غرب برقرار می باشد.

علاوه بر این باید به معادله نابرابر بین تلاش های گاهنامه هنر و مبارزه و تلاش های وزارت امور خارجه کانادا برای ایجاد شبکه اجتماعی در جهان مجازی توجه داشته باشیم، و ببینیم که تا چه اندازه این وضعیت با اختناق و محدودیت هایی که نظام جمهوری اسلامی و دستگاه مذهبی در ایران در رابطه با آلترناتیوهای حاشیه نشین و یا به حاشیه رانده شده ایرانی، همخوانی و هم پیمانی دارد و تا چه اندازه حکومت اسلام در ایران از یک سو و حکومت جمهوری اسلامی ایران - بورژوازی کمپرادور ایران از سوی دیگر برای سرکوب آلترناتیو های پیشگام ایران در پیوند تنگاتنگ و اتحاد با سرمایه های جهانی و مداخلات کشورهای عضو پیمان اتلانتیک شمالی در کشور استعمار زده ما ایران بوده است. به نتیجه اختناق داخلی باید توجه نشان دهیم. در واقع داعیه وزارت امور خارجه کانادا برای خبر رساندن به ایرانیان در شرایط اختناق، اسطوره ای بیش نیست، زیرا کشورهای سرمایه داری مانند کانادا با بورژوازی کمپرادور ایران هم پیمان هستند، یعنی یکی از همان عوامل اختناق و سرکوب و بی عدالتی و...

۲) به شکلی نوشته شده که گویی در غرب، در اروپا یا کانادا و یا امریکا اینترنت محافظت شده و تحت کنترل دولت نیست و مردم آزاد هستند. روشن است که در غرب خصوصاً، اساساً زندگی خصوصی و حریم خصوصی یک اسطوره است. من پیشبینی می کنم که در سال های آینده باید منتظر فاجعه عظیم ضد بشری در غرب باشیم.

۳) به این معنا که کانادا در راه اندازی انقلاب رنگی و به عبارت دیگر در تاکتیک اعمال «قدرت نرم» مثل اعمال «قدرت سخت» در کنار دیگر کشورهای امپریالیستی موضعگیری کرده است.

تبصره مهم :

نکته حائز اهمیت این است که چنین گزارشی تقریباً یک سال بعد در رسانه ها - حتی - رسانه های آلترناتیو منتشر می شود. موضوع پشتیبانی مالی و فنی امپریالیست ها از اپوزیسیون های ایرانی، و به همین گونه در بخش عملیات تروریستی در ایران، تازگی ندارد. با این وجود چنین گزارشاتی می تواند برای ما در مبارزه طبقاتی مدارک ارزشمندی باشد. علاوه بر این توجه داشته باشیم که این سگ های نگهبان امپریالیسم جهانی که کمابیش به روشنی با هیأت حاکم متحد شده اند، یعنی پیکره اپوزیسیون پنتاگونی هیچ گاه نه در موارد گذشته و در موارد اخیرتر به مناسباتشان با قدرت های حاکمی که آنها را به خدمت گرفته اند، لام تا کام چیزی نگفته اند. البته اتحاد ایدئولوژیک اپوزیسیون های پنتاگونی و جمهوری اسلامی هیچ گاه برای ما در گاهنامه هنر و مبارزه امر شگفت آوری نبوده و نیست، زیرا ما در تحلیل فرآورده های فرهنگی و هنری این گله سگ های نگهبان امپریالیسم جهانی و نظام طبقاتی، بارها نشان داده ایم که در کجا و چگونه و به چه شکلی و به چه علتی هر دو جبهه در سرکوب فرهنگ و هنر و خلاقیت با یک دیگر متحد هستند، و هر دو روی یک سکه را تشکیل می دهند.

علاوه بر این من باید روی یک نکته تحلیل هایم را در رابطه با اپوزیسیون ایرانی (نما) تصحیح کنم. این نکته چنین است که تصور می کردم که تنها پنتاگون است که این اپوزیسیون ها را تأمین مالی می کند، ولی با توجه به گزارشات جدید می بینیم که یک پای ماجرا خود جمهوری اسلامی - بورژوازی کمپرادور است.

گاهنامه هنر و مبارزه

۲۵ جون ۲۰۱۴

یادداشت:

تا جایی که از مطالعه این گزارش افشاء گرانه و مقایسه آن با شرایط زندگانی افغانهای مقیم کانادا و سایر مهاجران و نهاد های به اصطلاح «اتحادیه گونه» که در پیوند با دولت کانادا به وجود آورده اند، بر می آید؛ به جرأت می توان ادعا نمود که چنین امری، یعنی از درون مردمان تازه مهاجر، نیروئی را با خصلت ضدیت با کشور اولی پرورش دادن، محدود و منحصر به اجتماع ایرانیان نمانده، سایرین را نیز در بر می گیرد.

به خصوص این مناسبت می تواند در پیوند با اجتماع افغانهای مقیم کانادا، برجسته تر از کشورهای دیگر باشد، چه شرایط جنگی در افغانستان و نقش دولت کانادا، به مثابه یکی از ۴۴ کشور اشغالگر در آنجا، برای بقای نفوذ استعمار در افغانستان ضرورتاً می بایست چنان روابطی در کمیت و کیفیت بالاتری در آنجا به وجود آمده باشد.

اداره پورتال AA-AA